آن بدل از کلام محذوف است ای من بیانه است بیان کرده بدل
منحصر است جز آنکه مفعول است بمعنای اندوه و عامل در وی
مفهوم است بعض اشد از کان فهم میشود یا آن از معنی مفهوم
میشود تقدیر کلام چنین شود که کان اهل الفارس کانما خبرنا باشتباه الانذار
بالماء خبرنا و تواند که عامل در وی حاصل جر متعلق با النار است چراکه شرط
نصب مفعول له آنست که قائم باشد بفاعل عامل و اینجا قائم نیست و بالماء
عطف است بر بالنار و ماء بالنار بر وجه ما سبق واقع شده
و حرا افروخته است در وقت ولادت آنحضرت صلی الله علیه
و سلم چنان حالتی روی نمود که گویا در آتش حاصل شده آن حالت
که در آب است از زاری و گویا که در آب حاصل شده آن حالت که گفت
در آتش است عبارت از افروختگی است مقصود بیان غرابت در
تغیر احوال عالم در وقت ولادت آنحضرت صلی الله علیه و سلم
یعنی در آن وقت چنان تغیر در عالم شد که هیچ چیز بر جای خود
نماند چیز در آب حاجت آتش گرفت و آتش حاجت آب چه نور است
اینکه در عالم هویدا گشته شد مر آنچه نور است اینکه روشن کرد

دین و دولت

دین و دولت دنیا چه گنج است اینکه ظاهر شد ز بطن ام لطائف
چه نور است اینکه بر خورشید کرده حسد دریا؛ چه فتح است اینکه
از فرش با سوا بره شد روشن؛ چه فرخ است اینکه از فرخش جهان
تیره شد بر نام والجن تهتف والانوار ساطعة؛ والحق یظهر من معنی
و من کلم ۲ جن جسم ناریست متشکل میشود باشکال مختلفه و تجلی
و نزد حکما جوهر مجرد است مستعد خیر و شر اتفاق کلیست و فاعل
او مخبر مستکن است عاید بجن و جمله تهتف مهام حرمت الکلام از غیر آنکه
مرئی شود یعنی هاتف ای فهم بکلام الحمد للذی از عبد المطلب
منقول است و در شب ولادت آنحضرت صلی الله علیه و سلم اجتماع جنان
از هم ریختند منادی ندا در داد الا که باشد محمد را که پیغمبر
آخر الزمان است برادر دهد گو در آن شب انوار لوامع و لوایح
الا بالیق الی چنین ظاهر آمد که در مدح آنحضرت صلی الله علیه و سلم
ابیات شنود که مشتمل بر ان مصراع بود لقد ولدت خیر البریة
احمد الانوار جمع نور و ساطعه بلند شد و جواهر باشد مطلع
مر و مع را گویند و مراد اینجا صدق نبوت آنحضرت صلی الله علیه و سلم

Copyright © King Saud University